



جلوه‌های فرهنگی و سیاسی جهانی شدن در شعر محمود درویش

ترجمه و تلخیص: علی باکر



* تجلیات العولمة الثقافية و السياسية في شعر

محمود درویش... مقاربة حضارية أدبية... ۱۹۹۵ - ۲۰۰۴

* فؤاد نصرالله

* بيروت: مؤسسة الانتشار العربي،

چاپ اول، ۲۰۰۷، ۳۳۹ صفحه، قطع وزیری

مقاومت پرشور متمایز بوده است، به طوری که در اوایل اشغال وارد زندان‌های اسرائیلی‌ها شد و توانست که خشم عظیم و سختی را که در سینه‌اش موج می‌زد، با درجه‌متمیزی از ظرافت، لطافت و شفافیت به متون شعری تبدیل کند» (ص ۱۶).

دکتر عبدالله الغدّامی، منتقد و پژوهشگر سعودی، در مقدمه کتاب می‌نویسد که مؤلف با واردشدن به این موضوع دام‌های بسیاری برای خود پهن کرده است، و چه بسا وی عمداً به این کار دست زده است تا وارد یک عرصه دشوار پژوهشی، علمی و فرهنگی شود. به اعتقاد الغدّامی، محمود درویش یکی از نشانه‌های فرهنگی جهان عرب است که شهرت گفتمان‌شان در نقد جهانی‌شدن است و او به‌مثابه یک شخصیت آگاه و گفتمان معارض و منتقد و نماد امری که خود صاحب و سخنگوی آن است، بر اساس پرسش‌های فرهنگ و جهانی‌شدن، پرسش‌هایی در گفتمان خود طرح می‌کند

جهانی‌شدن و شعر، دو جهان‌شناختی هستند که از عالم واقع چیزهایی اخذ می‌کنند و به آن چیزهایی می‌دهند و نمی‌توان این عالم را از آنها جدا کرد، مگر در اتاق آزمایشگاه، اما وجود حقیقی این دو جهان از واقعیت مجزا نیست، زیرا وجود، بودن و هویتشان بسته به آن است.

مؤلف در کتاب حاضر بر آن است تا به بررسی و تشریح منطقه مشترک بین این دو جهان‌شناختی یعنی جهانی‌شدن و شعر بپردازد و این منطقه در شعر محمود درویش تبلور و تجسم یافته است زیرا محمود درویش، چنانکه مؤلف معتقد است، «در میان شاعران عرب بیشتر از دیگران با توجه به مسائل و امور مهم کشورش و با بینش و آشکارسازی بسیار بالایی به قضیه فلسطین پرداخته و به زیبایی‌شناسی‌های نظم شعری متعدد بوده است. همچنان که وی از معدود شاعرانی است که شعرهایش با تجربه حیات انتفاضه و



دوم درخصوص «گفتمان جهانی شدن» بحث شده است؛ و در فصل سوم موضوع «عربیت و جهانی شدن و قضیه فلسطین» مورد بحث و مطالعه قرار گرفته است.

مؤلف در باب اول به تعریف جهانی شدن با توجه به برخی از تحولات سیاسی مسائل فکری پرداخته و سپس تأثیرات ایده «پایان تاریخ» فوکویاما و پیامدهای نظریه «برخورد تمدن‌ها» ی ساموئل هانتینگتون و پروژه امپراتوری امریکا که مفهوم جدیدی از خاورمیانه را مطرح می‌کند، به همراه مقولات راست صهیونیست درباره اسلام و عربیت را تشریح می‌کند. وی همچنین کوشیده است که مفهوم هویت را با تعیین ماهیت، عناصر، ریشه‌ها و ابهامات آن و پیوند دادن «هویت عربی با مسائل جهانی شدن که هنوز به شکل کامل مشخص نشده است» (ص ۱۹)، مورد مطالعه قرار دهد. فؤاد نصرالله سپس به ابعاد قضیه فلسطین پرداخته است تا پیوندی میان تاریخ و دوره معاصر ایجاد کند.

باب دوم کتاب، «جهانی شدن؛ بررسی تطبیقی ادبی»، شامل دو فصل است که عناوین این دو فصل عبارتند از: «درویش؛ زندگینامه و محاصره» و «کاوش‌های جهانی شدن در اشعار درویش». در این باب زندگینامه شاعر که همچون هر فلسطینی دیگری حامل و راوی اندوه و دغدغه قضیه میهنش است و تلاش می‌کند که بر حقانیت ملتش برای زندگی مسالمت‌آمیز و حقوق غصب‌شده‌شان تأکید کند، با ذکر نمونه‌هایی از ابداعات وی در زمینه محاصره از دفتر وضعیت محاصره که این تجربه البته در دفتر جداریه (دیوارنگاره) نیز به چشم می‌خورد، آمده است. سپس مؤلف در یک بررسی تطبیقی بر آن بوده است تا ماهیت رابطه میان شعر و دگرگونی‌های عمیق شرایط معاصر را بنمایاند.

برای تحقق هدف پژوهش که همانا شکستن قفل‌های دنیای

و این گفتمان به همراه شعریت کامل وی، گفتمانی آگاهانه را ایجاد می‌کند.

این تصور مؤلف را ملزم داشته است که مفاهیم و امور مرتبط با پدیده جهانی شدن از جمله حقیقت مفهوم جهانی شدن، مظاهر آن، گفتمان جهانی شدن را بر اساس نظریه پایان تاریخ و نظریه برخورد تمدن‌ها و مقولاتی را که به گسترش نظامی‌گری و رویارویی‌های سیاسی در جهان عرب از جمله فلسطین منجر می‌شود، مورد بررسی و بحث قرار دهد. همچنان که مؤلف به مفهوم هویت عربی نیز پرداخته و چالش و نزاع آن را با رویکرد غربی - امریکایی که هدفش تضعیف عربیت و امکان ایجاد گفتمانی متضاد و مخالف با آن، یعنی اسرائیل، است، تحلیل می‌کند. سپس به شخصیت فلسطینی می‌پردازد که حامی و پشتیبان اندیشه مقاومت است و می‌کوشد که اقداماتی را که درصد محوکردن هویت و ویژگی‌های اوست، باطل کند.

مؤلف در این کتاب بر روش جامعه‌شناسی فرهنگی تکیه داشته است، «روشی که ادبیات را در جایگاهی که نتیجه و پیامد اوضاع فرهنگی و خواسته‌های اجتماعی جامعه است، مورد تحلیل قرار می‌دهد» (ص ۱۷)، تا به بررسی موضوع پرداخته و اهمیت آن را با «شناسایی و رصد جنبش مقاومت فلسطین در طول تاریخ معاصر آشکار سازد، به طوری که داده فرهنگی، و به ویژه متن ادبی، به مثابه یکی از آینه‌های اصلی بازتاب‌دهنده بحران و قدرت مقاومت در برابر تجاوز با اختیارات فرهنگی تعریف شده، تعلق و در حقیقت متن ادبی، مکمل جنبش مقاومت مسلحانه یا مذاکرات سخت دیپلماتیک است» (ص ۱۶).

کتاب شامل دو باب است. باب اول، «جهانی شدن؛ بررسی تطبیقی تمدنی» شامل سه فصل است. فصل اول به موضوع «مفهوم و جلوه‌های پدیده جهانی شدن» اختصاص دارد؛ در فصل



شعری درویش است، اقتضا می‌کند که پژوهشگر با اوضاع فلسطین با تمام جزئیات آن آشنا باشد، و قبل از اینکه وارد مرحله بررسی پدیده شعری شاعر شود، مباحث انتقادی و پژوهشی‌ای را که درباره شاعر مورد نظر مطرح شده است، مورد توجه قرار دهد. از همین روی مؤلف به تبیین تجربه درویش پرداخته و کوشیده است که با بررسی و تحلیل پنج دفتر شعر شاعر یعنی حالة الحصار (وضعیت محاصره - ۲۰۰۲)، جداریه (دیوارنگاره - ۲۰۰۰)، سریر الغریبه (سریر زن غریبه - ۱۹۹۵)، لاتعتذر عما فعلت (از آنچه کرده‌ای پوزش نخواه - ۲۰۰۳) و لماذا تکت الحصان وحیداً (چرا اسب را تنها گذاشتی - ۱۹۹۵) مطالعه دقیق و موشکافانه‌ای درباره تأثیرات جهانی‌سازی در تجربه هنری و ذهنی وی داشته باشد و پدیده‌هایی را که دنیای شعری‌اش را تعیین می‌کند، مورد شناسایی قرار دهد.

طبیعی است که مؤلف در این زمینه به تبیین تأثیر مقوله جهانی‌سازی در شعر محمود درویش بپردازد و تجربه شعری محمود درویش را در این زمینه به‌طور دقیق تحلیل کند. به اعتقاد وی روش تعامل درویش با این بحران در تحول ابزارهای هنری‌اش و تجلی سبک‌شناسی‌ای که شاعر از طریق آن با متونش تعامل داشته است، می‌باشد.

با این استراتژی می‌توان گفت که کتاب عمل مقاومت از طریق قلم بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم است، به‌طوری که مؤلف در باب اول به معرفی زمینه فکری‌ای که استعمار را مورد حمایت قرار می‌دهد یا آن را قانونی می‌سازد، پرداخته و آن را غیرمنطقی و بی‌اعتبار می‌خواند. سپس در باب دوم به بزرگداشت تجربه شعری‌ای می‌پردازد که مقاومت اندیشه و راه آن بوده است.

بعد از آنکه مؤلف جهانی‌شدن را به‌مثابه یک رویداد منفی و ابزار استعمار معرفی می‌کند، به مرتبط بودن جنبش صهیونیسم با مقوله جهانی‌شدن پرداخته است، به‌طوری که «رژیم صهیونیستی با طبیعت تجاوزگرانه‌اش همانند تیری می‌ماند که برای نفوذ در پروژه‌های توسعه عربی و از میان بردن آنها فعالیت می‌کند و تلاش می‌نماید که جهان عرب را به نفع پروژه‌های توسعه‌طلبانه خود که در آن سرزمین و امنیت را با هم می‌خواهد، قربانی می‌کند» (ص ۱۲۳). بدین ترتیب، از نظر مؤلف، دشمن صهیونیستی ابزار جهانی‌شدن در دست امپریالیسم شده تا قدرت و نفوذ خود را در جهان عرب گسترش دهد و از این‌رو وی مقوله جهانی‌شدن را معادل جنبش صهیونیسم قرار داده است.

همان‌طور که جنبش صهیونیسم معادل جهانی‌شدن شده، محمود درویش نیز مبارز و معارض صهیونیسم و جهانی‌شدن، در وجه منفی آن، گردیده است و مؤلف به بررسی شعر محمود درویش، به‌مثابه شعر مقاومت، و محمود درویش شاعر براساس روش جامعه‌شناسی که - میان متن و شرایط اجتماعی و سیاسی صاحب متن پیوند ایجاد می‌کند - به‌منزله اینکه وی شاعر «مقاومت» یا شاعر «قضیه فلسطین» است، می‌پردازد. این مسأله باعث شده است که کتاب از بررسی درویش، به‌منزله یک انسان و نه یک مبارز، یا شعر درویش به‌مثابه شعر و نه زبان مقاومت، خالی باشد. البته این امری طبیعی است، چرا که موضوع بحث اقتضا می‌کند که رویکردهای مؤلف مبتنی بر این بررسی‌ها پیش رود. ولی این مسأله محمود درویش را راضی نمی‌سازد، زیرا وی در یکی از گفت‌وگوهایش که از او پرسیده بودند، دیدگاهت درباره معرفی شما به‌منزله شعر مسأله فلسطین یا شاعر مقاومت چیست؟ پاسخ داده بود:

این مسأله فقط خاص من نیست. برخی از این نامگذاری‌ها و دادن برخی از صفات بی‌غل و غش و از روی علاقه به قضیه فلسطین و حمایت فلسطینیان است و برخی نیز نوعی احترام گذاشتن و تشریفات قائل‌شدن نسبت به شعر مقاومت و قضیه فلسطین است. اما نظر انتقادی خبیث‌تر از آن است؛ این نظر، هدفش آن است که شاعر فلسطینی را از شعریتش تهی کرده تا او را در شرایطی قرار دهد که بیانگر آنچه مجموعه آثار و تألیفات قضیه فلسطین نامیده می‌شود، باشد. طبعاً در اینجا اختلاف جوهری عمیقی میان این دو نگرش وجود دارد؛ نگرشی بی‌غل و غش و نگرشی ناپاک. من فلسطینی و شاعری فلسطینی‌ام، اما نمی‌توانم بپذیرم که فقط به‌عنوان شاعر قضیه فلسطین شناخته شوم و شعرم فقط به ادبیات قضیه فلسطین خلاصه شود؛ گویی اینکه من با شعر آن را تاریخ‌نگاری می‌کنم.

به‌نظر می‌رسد که مؤلف در این زمینه از مرز تجربه نیز فراتر رفته و علاوه بر بررسی و تحلیل آن در شعر شاعر، مسأله اسطوره و ضرورت‌های زبانی را نیز مورد مطالعه قرار داده و همچنین به بررسی دقیق هارمونی شعر و هنر شاعر نیز پرداخته است. همچنان که مضامین اشعار و ویژگی‌های زیبایی‌شناختی این اشعار را در دفترهای یادشده از نظر دور نداشته است.

منبع: فصلنامه الکلمه (چاپ لبنان)